

مهدی سلطانی

باغ سعادت آباد قزوین

بر اساس منظومه‌های
عبدی بیگ نویدی شیرازی

منتون

از باغهای بی شماری که در تاریخ معماری ایران ساخته شده تنها اندکی از آنها باقی مانده است. وضع برخی از باغهای باقی مانده نیز امروزه دگرگون شده است. از این رو، برای شناخت باغ ایرانی، چه باغهای خاص و چه ویژگیهای عمومی باغها، علاوه بر باغهای موجود به منابعی دیگر نیاز داریم. از مهم ترین این منابع مکتوب است. از این منابع می توان اطلاعاتی درباره اندیشه ایرانیان درباره باغ، گیاهشناسی باغ، نقش و موقعیت باغ در زندگی و در ساختار شهرها، و نیز نکته‌هایی درباره باغهایی خاص به دست آورد. متأسفانه تعداد این منابع نیز بسیار نیست.

اشعار عبدی بیگ در زمره این گونه منابع است. عبدی بیگ به دستور شاه طهماسب کوشید تا شهر قزوین و باغها و کاخها و خیابانهای آن را به زبان شعر وصف کند. او مدعی است که می‌خواهد نکاتی را بیان کند که حقیقت حال است و تا کنون از دیده مردم نهان مانده است و راه او در فهم و بیان این نکات راه خیال است و وسیله اش کار خیال انگیز، یعنی شاعری، است و موضوع مطالعه اش، معماری و باغ سازی، نیز افعالی خیال انگیز است.

کوشش اصلی او در وصف است؛ اما گاه تأویل هم در اشعارش دیده می‌شود؛ مثلاً گاهی آب زلال حوض را نشان آب کوثر و باغ را نشانه‌ای از ساحت فردوس خوانده است. نکته‌ای که در همه اشعار او درباره باغ و باغ سازی قابل جستجوست نوع نگاه به باغ و چگونگی ذهنیت در خصوص باغ و باغ سازی است که عبدی بیگ در مقام یکی از اهل ذوق در دوره صفویه داشته است. شاید بتوان بر این مبنای آنچه را تا کنون محققان ایرانی و غیر ایرانی درباره باغ ایرانی و جایگاه آن در ذهنیت ایرانیان گفته‌اند نقد کرد.

باغ سعادت آباد و باغهای کوچک تر خصوصی که در حوزه باغ سعادت آباد ساخته بودند موضوع اصلی بخش بزرگی از اشعار عبدی بیگ است. بر اساس این اشعار، می توان تصویرهایی اصیل از وضع باغ سعادت آباد به دست داد و مبنایی استوار برای مطالعات بعدی پدید آورد.

پیش از پرداختن به این موضوع، لازم است با شاعر و آثار و دیدگاههای او آشنا شویم، تا درک بهتر اشعار او ممکن شود. به این منظور، مقدمه‌ای در دو بخش

باغ سعادت آباد قزوین باغی است که شاه طهماسب صفوی پس از انتخاب قزوین به پایتختی در آنجا ساخت. او به خواجه زین العابدین عبدی بیگ نویدی شیرازی، شاعر و محرز دربار خود، دستور داد این باغ و عمارت‌های آن را به شعر وصف کند. اشعار عبدی بیگ از مهم ترین اسناد درباره این باغ است. از توصیفات عبدی بیگ روشن می‌شود که باغ سعادت آباد در زمان خود باغی کم نظیر بوده است. این باغ بزرگ مجموعه‌ای است شامل ۲۳ باغ خصوصی و گلزار و مویستان. در بخش اصلی آن، چهارباغ و چهارسوی است حاصل از تقاطع خیابانها؛ و جویها و خیابانهای متقاطع و مستقیم سطح باغ را تقسیم می‌کند. چهار جوی متعامد در چهار سمت باغ واقع است. خیابان اصلی باغ شمالی- جنوبی است و خیابانی شرقی- غربی آن را قطع می‌کند. در مربع محل تقاطع این دو خیابان، صفه‌ای است که کوشک باغ، یعنی بنای ارشی خانه، بر آن نشسته است. در این باغ انواع درختان میوه و تزیینی و اقسام گلها را کاشته‌اند.

در پی می‌آید: بخش اول، درباره شاعر و آثار او؛ و بخش دوم، در نوع نگاه او به هستی و باغ.

مقدمه

الف) عبدی بیگ و آثارش

خواجه زین‌العابدین علی عبدی بیگ شیرازی، متخلص به نویدی (۹۲۱-۹۸۸ق)، در تاریخ ادبیات ایران شهره نیست؛ اما در دوره شاه طهماسب صفوی مقامی شامخ داشت و شاعر دربار و محرّر و محاسب دیوان بود. او در ۹ رجب ۹۲۱ق در تبریز متولد شد. پدرش عبدالمؤمن و جد پدری‌اش صدرالدین نام داشتند. در کودکی در نزد شیخ علی بن عبدالعلی، از فضلالی نامدار زمان، کسب دانش کرد. در ۹۳۷ق، پدرش درگذشت و ناچار دست از تحصیل کشید و در دیوان‌خانه همایونی به سیاق‌داری پرداخت. در ۹۴۱ق، سفری به گرجستان کرد؛ و در بازگشت از آنجا، در ۹۴۷ق، از قزوین به اردبیل کوچید. پس از هفت سال کار در مقبره شیخ صفی‌الدین اردبیلی، در سن شصت‌سالگی، در ۹۸۱ق، به قزوین بازگشت. پس از چند سال، در اواخر عمر به اردبیل بازگشت و در سال ۹۸۸ق در همان شهر درگذشت.

عبدی بیگ از جوانی به فعالیت ادبی پرداخت. از آثار او برمی‌آید که پیش از اشتغال در دیوان‌خانه شاه طهماسب، اشعاری در قالب غزل و قصیده و رباعی و جز اینها با تخلص نویدی می‌سروده است. پس از مدتی، گویا به تشویق شاه طهماسب و قاسمی گنابادی (از شاعران و عارفان آن زمان)، مثنویهایی سرود و در سلک پیروان مکتب ادبی نظامی داخل شد.^۱

آثار عبدی بیگ رنگارنگ و مشحون از لطایف است. او علاوه بر اشعار غنایی، چند مثنوی نیز سروده است. از آثار او تاکنون این منظومه‌ها شناخته و یافته شده است: *خمسه* اول، شامل: *مظهر الاسرار*، *جام جمشیدی*، *مجنون و لیلی*، *هفت اختر*، *آیین اسکندری*؛ *خمسه دوم*، شامل: *جوهر فرد*، *دفتر درد*، *انوار تجلی*، *خزائن ملکوت*، *فردوس العارفین*؛ *خمسه سوم*، شامل: *روضه الصفات*، *دوحه الازهار*، *جنته الامار*، *زینت الاوراق*، *صحیفة الاخلاص*؛ و دو کتاب *تکلمة الاخبار*، *صریح الملک*. نسخه‌های خطی این آثار در موزه‌ها و کتابخانه‌های شهرهای باکو، تهران، تبریز، سن پترزبورگ، و لندن نگهداری می‌شود. نسخ خطی

آثار دیگر شاعر، مانند *سلامان و ابسال* و *طرب‌نامه* و *دریچه البنیان*، تاکنون به دست نیامده است.

خمسه سوم از دو *خمسه* اول کوچک‌تر است و ۴۱۳۵ بیت دارد. با آنکه مثنویهای *خمسه سوم* عموماً به وصف شهر قزوین اختصاص دارد؛ هر مثنوی، موضوعی خاص نیز دارد. مثلاً موضوع اصلی در مثنوی اول (*روضه الصفات*) تصویر عمومی باغ سعادت‌آباد؛ در مثنوی دوم (*دوحه الازهار*)، وصف نقاشیهای دیواری؛ در مثنوی سوم (*زینت الاوراق*)، میوه‌های قزوین نظیر انواع خربزه و هندوانه؛ در مثنوی چهارم (*زینت الاوراق*)، شرح حال و زندگی بایزید، پسر سلطان سلیمان عثمانی است (که به شاه طهماسب پناهنده شده بود).^۲ در ابتدای هر مثنوی، ابیاتی در توحید و نعت مناجات و مدح و غیره آورده است؛ که خود دلیل بر آن است که هر مثنوی اثر جداگانه‌ای است. در این مقاله، دو مثنوی *روضه الصفات* و *دوحه الازهار*، که ارتباط بیشتری با باغ سعادت‌آباد دارد، بررسی می‌شود.

پس از آنکه تبریز، پایتخت نخست صفویان، را عثمانیان اشغال و غارت کردند، شاه طهماسب برای اینکه پایتخت را از تهدید دشمنان به‌دور دارد، در سال ۹۵۱ق آن را به قزوین منتقل کرد. پس از استقرار در قزوین، به ساختن باغی بسیار بزرگ به نام سعادت‌آباد فرمود و خویشاوندان و اعیان و ارکان خاندان صفوی در زمینهای باغ کاخهای بسیاری ساختند و درختان متنوع و گلها و گیاهان گوناگون کاشتند. در میانه‌های قرن دهم که عبدی بیگ شهرتی به دست آورده بود و صاحب پیش از پانزده اثر بالارش بود، شاه طهماسب او را مأمور کرد که اثری در وصف باغ سعادت‌آباد و کاخهای آن بسراید.

عبدی بیگ در *روضه الصفات* از باغ سعادت‌آباد و عماراتی چون ارشی‌خانه، که مخصوص شاه بود، یا بناهایی چون خانه شیروانی و دیگر باغهای شهر سخن می‌گوید و در خصوص محل و مشخصات آنها اطلاعاتی می‌دهد. اما قسمت عمده‌ای از این اثر به تعریف و تصویر باغ سعادت‌آباد اختصاص دارد. از این اشعار، و نیز آنچه در *تکلمة الاخبار* آمده، می‌توان حدس زد که باغ سعادت‌آباد و عمارات آن را از روی طرح معینی بنا کرده بودند.

شاعر در ابیات ۹۴-۹۷ روضه الصفات می‌نویسد:

امر توام ریخت خرد در دماغ
تا بکنم وصف خیابان و باغ
کلک هنریشه گرفتم به دست
تا بکنم وصف بدین‌سان که هست
سیر نمودم به ریاض خیال
تا به حقیقت نگرم چیست حال
چیست نهان مانده معانی خاص
کان شده زین پیش ز جنگم خلاص

می‌توان در همه ابیات کتاب یافت؛ از جمله اینکه شاعر در ابیات تحمیدی روضه الصفات می‌نویسد:

حمد خدا را که جهان آفرید
باغ تن و روضه جان آفرید
ز آب روان باغ بدن تازه کرد
مرغ زبان را فلک آوازه کرد
باغ فلک پر ز عجایب نمود
صحن زمین پر ز غرایب نمود

پس سبب نظم کتاب امر شاه طهماسب بوده است و هدف از آن وصف خیابان و باغ؛ و شاعر برای این کار از روش هنر و شعر بهره می‌برد. شیوه توصیف هم بیان واقعیت است و هدف غایی‌اش یافتن حقیقت و معانی خاص پنهان (در معماری) است.

منظومه دوحه الازهار با حمد خدا و نعت رسول (ص) و مدح شاه طهماسب آغاز می‌شود. سپس باغ سعادت‌آباد، نقشه عمومی معماری باغ سلطنتی جعفرآباد، خیابانها و ایوانهای جانب شمالی و جنوبی باغ، بناها و کاخهای واقع در سمت مشرق قصر شیروانی، و دیگر بناها وصف می‌شود. بخش دیگر این کتاب به شرح نقاشیهای دیواری بناهای مختلف اختصاص دارد؛ اما اطلاعات بسیاری هم درباره ویژگیهای باغ سعادت‌آباد در خود جای داده است.

در این ابیات، تن به باغ و جان به روضه تشبیه

شده است؛ بنا بر این، باغ در دیدگاه شاعر صورت زمینی و مادی روضه رضوان است. همچنین پیداست که از نظر شاعر، همان‌طور که آب (یا خون) عامل زندگی بدن است، مایه خرمی و تازگی باغ نیز است. خداست که در باغ وجود انسان، مرغ زبان را آفرید و آوازه‌اش را به فلک رساند؛ به فلکی که خود باغی پرعجایب است. شاعر در این ابیات با استفاده از صنایع ادبی، پیوندی بین تن و جان انسان و باغ و بهشت و زمین و آسمان و زمین پدید آورده است و همه آنها را مخلوق قدرت حضرت حق می‌داند و بر این اساس او را شایسته حمد می‌داند. این نوع نگاه، یعنی دیدن همه چیز در یک مجموعه به منزله مخلوق خدا و همچنین تمایز قایل شدن بین جسم و روح و تن و جان و ماده و معنا در بقیه اشعار او هم به چشم می‌آید.

در ابیات تحمیدی دوحه الازهار نیز آورده است:

به نام آنکه بر حسب ارادت
مطرًا ساخت گلزار سعادت
روان فرمود آب از نهر اقبال
وزان باغ سعادت کرد پرحال

او تروتازگی باغ سعادت را از خدا می‌داند و روان شدن آب به دستور پروردگار را عامل خرمی باغ می‌شمارد. بنا بر این، همه عناصر باغ سعادت‌آباد شکرگزار خدایند؛ چنان‌که در ابیات ۷-۱۰ روضه الصفات می‌گوید:

سوسن آزاد ازو حمدخوان
حمد وی‌اش ساخته رطب‌اللسان
نرگس بیننده از او فیض‌بین
سنبل تر از کرمش خوش‌چین
بر درش از روی خضوع و خشوع
میل بنفشه به سجود و رکوع

ب) نوع نگاه نویسنده به هستی و باغ

از معانی تصریحی و تلویحی اشعار عبدی‌بیگ، می‌توان به نگاه او به هستی و جایگاه باغ در هستی راه برد و ذهنیت او را، در مقام عضوی از جامعه آن عصر، دریافت. روضه الصفات با حمد خدا آغاز می‌شود؛ سپس اشعاری در نعت پیامبر (ص) و منقبت ائمه (ع) و دعا به شاه، به عنوان نایب امام زمان (ع)، آمده است. در همه این شعرها، توصیفات و تشبیهات با باغ مناسبت دارد. او از این راه، هم کتاب خود را به هستی و آنچه باقی است می‌پیوندد، و هم نسبت باغ را با هستی و هستی را با باغ نشان می‌دهد.

دوحه الازهار نیز به همین گونه آغاز می‌شود. پس سرآغاز کتاب در حقیقت بیان موضع نویسنده به جهان است. این تلاش در پیوند زدن شعر و باغ و هستی را

بهر پرستندگی اش صبح و شام
شبم و سبزه به قعود و قیام

ابر کرم خاست ز هر سوی او
آب فزون گشت به هر جوی او
کشت وی از خاک بر آورد سر
خشتش از افلاک بر آورد سر

این ابیات شرح گل‌های باغ سعادت آباد در حالت عبادت و بهره‌مندی از فیض الهی است؛ چنان‌که نرگس فیض‌بین حق، سنبل خوشه‌چین از کرم حق، بنفشه در سجود و رکوع، شبم و سبزه به قعود و قیام‌اند. شاعر همه زیباییهای عالم و باغ را از فیض حق و همه اجزای باغ را سجده‌گذار خداوند می‌داند. بر همین طریق، در نعت نبی و ائمه (ع) در بیت ۲۱ *روضه الصفات* می‌گوید:

باغ جهان از گل او فیض‌یاب
از عرق او گل دین خورده آب

پیامبر اکرم (ص) گل باغ جهان است و باغ این جهان را از فیض این گل آفریده‌اند. از سوی دیگر، دین گلی است که آن را با عرق رنج پیامبر آبیاری کرده‌اند. این‌گونه ارتباط بین زیباییهای باغ و اعتقادات معنوی و رفت و برگشت بین صورت و معنا در اشعار شاعر به دفعات رخ می‌نماید. قاعدتاً این نوع نگرش خاص شاعر نبوده و برای مخاطبان او آشنا بوده است و شاید بتوان آن را از شاخصه‌های ذهنیت ایرانیان درباره باغ در آن روزگار شمرد.

طرز شکل‌گیری باغ

عبدی‌بیگ در منظومه‌های خود، به‌خصوص در *روضه الصفات*، از وضع قزوین قبل و بعد از پایتختی اش اطلاعاتی می‌دهد. براساس اشعار او، پس از پایتخت شدن قزوین، عمران و آبادانی در آن رونق می‌گیرد و بناهای بسیاری در آن می‌سازند. باغ سعادت آباد قزوین هم، که در آن عمارات و کوشک‌های قرار داشته، از این دسته ساخت‌وسازهاست.

در ابیات ۱۰۲-۱۰۶ *روضه الصفات* در مقدمه‌ای در عمارات و باغ مبارک سعادت آباد، می‌نویسد:

خسرو والاگهر دین‌پناه
خطه قزوین چو شدش تختگاه
رونق این خطه به حسب مراد
گشت به یمن قدم شه زیاد
خاست نوای فرح از خانه‌ها
یافت عمارت همه ویرانه‌ها

از این اشعار چنین بر می‌آید که پس از پایتخت شدن قزوین و بر اثر حضور شاه در این خطه، شهر رونق یافت. عمران و آبادانی و بازسازی ویرانیهای گذشته در شهر رخ می‌دهد، بارندگی افزایش می‌یابد و جویهای آب در شهر جاری می‌شوند و ساختمانسازی و کشاورزی در آن شهر رونق می‌گیرد. در چنین بستری و با رونق شهر، که شاعر نشانه‌هایش را فراوانی آب و رونق کشاورزی و معماری می‌داند، باغ سعادت آباد، به منزله محلی برای تفرج و اقامت شاه، شکل گرفت و در اطراف باغ هم باغهای کوچک‌تری ساخته شد که هر کدام به یکی از اعیان اختصاص داشت و شاعر گاه آنها را زیر مجموعه باغ سعادت آباد دانسته است.

در بیت ۱۱۲ همین کتاب، شاعر در ادامه ابیات یادشده می‌آورد:

شاه در آن خطه همچون بهشت
ساخت عمارات بهشتی سرشت

در خطه بهشت‌گونه قزوین، در باغ سعادت عماراتی بهشتی ساختند.

شاعر درباره تاریخ آغاز و انجام ساخت باغ سعادت آباد سخنی نگفته؛ اما ماده تاریخ ختم *روضه الصفات* را در پایان کتاب آورده است:

هر که نشان جست ز تاریخ آن
داد بگلزار بهشتش نشان

عبارت «بگلزار بهشت» به حساب ابجد ۹۶۷ است. چون شاعر در آن سال در شهر قزوین به سر می‌برده؛ می‌توان گفت که این مثنوی را در قزوین سروده است و در آن تاریخ، ساختن باغ و عمارات آن تمام شده بوده؛ چنان‌که حتی شاعر نقاشیهای دیواری بناها را کاملاً شرح داده است.

کس دیگری که از تاریخ احداث باغ سعادت آباد و چند عمارت آن اطلاعاتی داده است بوداق منشی قزوینی است. او در *جوهر الاخبار* (ب ۳۲۱) می‌نویسد:

باغ سعادت آباد را، که دیوار دور آن کشیده بوده‌اند، درخت نشانند و تعمیر نمودند و عمارت ساختند. اول

سال تاریخ ساختن باغ آنکه «هرگاه که گل ز باغ بیرون آری»؛ و این قاعده است که «باغ» یک هزار و سه است، هرگاه که «گل» از آن بیرون آرم پنجاه است. از آن کسر شد، نهصد و پنجاه و سه شد، ابتدای ساختن باغ است و سال ساختن عمارت درگاه باغ این است.^۲

به این ترتیب، تاریخ آغاز ساختن باغ آشکار می‌شود (۹۵۳ق).

وضع کلی باغ سعادت آباد

در میان منظومه‌های عبدی‌بیگ، ابیاتی هست که ویژگی فضای باغ سعادت آباد و حال و هوای آن را بیان می‌کند. این ابیات، که بیشتر به تمجید زیباییهای باغ اختصاص دارد، گاه با اغراقهایی همراه است؛ اما تلویحاً اطلاعات باارزشی در اختیار مخاطب امروزی قرار می‌دهد. مثلاً ابیات ۱۲۵-۱۲۹ *دوحه الازهار* چنین است:

چنین باغی به اقبال و سعادت

که عمر از سیر او گردد زیادت

ندیده چشم نادربین ایام

ز سر حد ختن تا عرصه شام

نه مثلش در خراسان کس نشان یافت

نه در شیراز شبهش می‌توان یافت

هوایش می‌رساند فیض جانی

زلانش می‌فزاید زندگانی

خصوصاً موسمی کابر بهاری

کند آغاز مرواریدباری

از این ابیات معلوم می‌شود که باغ سعادت آباد باغی کم‌نظیر بوده و حتی به نظر شاعر، در شیراز و خراسان مانند نداشته است. باغ آب و هوایی بسیار خوش داشته است؛ به‌ویژه در هنگام بارش ابر بهاری. در این ابیات، مکان و زمان به هم پیوند می‌خورند و ویژگیهای فضای باغ در هنگام فصل بهار و زمان باریدن باران بیان می‌شود. در ابیات دیگری هم بر این ویژگی فضای باغ در هنگام بهار تأکید شده است؛ چنان‌که عنوان بند ششم از *دوحه الازهار* «صفت بهار و تعریف باغ سعادت آباد» است. در ابیات ۱۳۰-۱۳۴ این کتاب چنین آمده است:

خوشا فصل بهار آن باغ شاهی

که می‌بارد درو فیض الهی

سرود عندهلیان سحرخیز
درود قدسیان را داده انگیز
ریاحش از ریاحین گشته غماز
نسیمش مشک چین را گشته دم‌ساز
درختانش کشیده سر بر افلاک
فکنده سایه بر معموره خاک

از این ابیات هم استنباط می‌شود که باغ شاهی سعادت آباد به هنگام بهار و باریدن باران خوش و زیبا می‌شود؛ نسیم از ریاحین باغ خوش‌بو می‌شود و درختان بلندش بر زمین سایه می‌افکنند.

دسته‌ای دیگر از این ابیات در شرح خیابانهای باغ است. شاعر در ابیات ۱۶۸ و ۱۶۹ *روضه الصفات* درباره خیابان چنین می‌نویسد:

غنچه‌صفت دل شکفت از هواش

خلدصفت روح فزاید فضای

فیض نسیمش ز صبا و شمال

برده ز دل گرد و ز خاطر ملال

فضای خیابان باغ روح‌افزاست و در آن، نسیم از دو سوی شرق و شمال می‌وزد و گرد از خاطر می‌زداید.

هندسه و عناصر کالبدی باغ

از غنی‌ترین اطلاعاتی که از منظومه‌های عبدی‌بیگ درباره باغ سعادت آباد به دست می‌آید، مشخصات هندسی و تقسیمات هندسی باغ و همچنین وصف عناصر مختلف، جایگاه و ارتباط آنها با هم است. نکته شایان توجه در شرح این اطلاعات مسیر تنظیم ابیات از کل به جزء است، به این ترتیب که ابتدا با تشبیه یا توضیحی وضع کلی باغ به دست می‌آید؛ سپس شاعر دقیق تر می‌شود و جزئیات بیشتری را روشن می‌کند.

در ابیات ۱۹۸ و ۱۹۹ *روضه الصفات*، در بند «صفت باغ مبارک سعادت آباد»، می‌گوید:

عرصه این روضه عشرت‌مدار

تخته نردی است به نقش و نگار

گشته دو سطح متقاطع دوچار

چهار خیابان ز دو سطح آشکار

باغ با خیابانهای راست و تقسیمات بسیار و نقش‌ونگارش به تخته نرد می‌ماند. شاعر از چهارباغ و چهارسوپی سخن می‌گوید که از تقاطع خیابانهای باغ و از تقاطع دو سطح

پدید آمده است؛ آن چنان که چهار خیابان باغ در دو سطح مختلف آشکار شده‌اند. او در ابیات بعد (۲۰۱-۲۰۴) وصف خود را تکمیل می‌کند:

نی غلطم تخته نردش مگوی
زانکه به پیش نظر فیض جوی
صفحه نظمی است بسی دل‌پسند
ناظم آن طبع شه ارجمند
جدول این صفحه فرخنده‌فال
چار طرف جوی بر آب زلال

باغ به صفحه کتاب شعری می‌ماند که آن را جدول‌کشی کرده‌اند؛ و جدولهای این صفحه جویهای باغ است. می‌دانیم که جدول هم به معنای خطوط قاب‌بندی و تقسیم‌بندی در صفحه‌آرایی کتابهای خطی است و هم به معنای جوی؛ و شاعر از این جناس به‌نیکویی بهره برده است. او همچنین می‌گوید آنکه این شعر را سروده شاه طهماسب است. البته از این سخن نمی‌توان دریافت که آیا عبدی‌بیگ شاه طهماسب را طراح باغ می‌داند، یا بانی آن.

اکنون که وضع کلی باغ روشن شد، به توصیفهایی دقیق‌تر می‌پردازد؛ از چگونگی استقرار خیابانها، حوض، صفا و درختان، تا ویژگیهای هر یک از آنها. در ابیات ۲۱۳-۲۱۸ روضه الصفات آمده است:

از سر این روضه جنت‌نشان
تا به سر حوض خیابان‌کشان
راست‌رهی از بی کسب کمال
آمده از قبله به حد شمال
تا به سر حوض خطی مستقیم
کرده به عرضش خط دیگر دو نیم
گشته خیابان دگر زان عیان
از حد مغرب سوی مشرق‌کشان
در وسط باغ به وضعی سعید
گشته یکی سطح مربع پدید
قائمة تاک سر افراخته
سایه به هر کنج وی انداخته

از در باغ تا حوض وسط آن، خیابانی راست از سمت قبله تا سمت شمال کشیده شده است. خیابانی دیگر، در جهت شرقی-غربی خیابان نخست را به دو نیم کرده و در محل تقاطع آنها در وسط باغ، مربعی زیبا به وجود آمده است. درختان تاک به هر گوشه مربع سایه

انداخته‌اند. از این طریق، نقشه کلی باغ سعادت به دست می‌آید. عبدی‌بیگ در دوحه الازهار (ابیات ۱۸۸ و ۱۸۹) نیز همین طرح کلی را تکرار کرده است:

خیابانی ز درگه تا به ایوان
قاشا کن که در تن می‌دمد جان
درختان از دو جانب سر بر افلاک
به رعنائی خرامان و طربناک

در ادامه، در ابیات ۱۹۳-۱۹۶ آورده است:

خیابانی دگر از غرب تا شرق
به قسمت کرده سطح باغ را فرق
به سطحی کاین دو خط بر هم گذشته
مربع عرصه‌ای آماده گشته
عیان بر چهار کنج این مربع
که هست از سبزه و گلها ملمع
فلک‌سا تاکهای عالم‌آرا
فلکهای معلا بر نریا

پس خیابانی از درگاه باغ تا ایوان بنا (کوشک) کشیده شده است. دو طرف این خیابان صفا از درختان بلند قرار دارد. خیابانی دیگر هم از غرب تا شرق کشیده شده و سطح باغ را تقسیم کرده است. در محلی که این دو خط به هم می‌رسند، سطح مربعی پدیدار شده است. در چهار کنج این مربع، که از سبزه و گل پوشیده است، تاکهایی زیبا قرار دارد.

البته علاوه بر این دو خیابان عمود برهم که شرحشان رفت، خیابان دیگری هم در باغ بوده است که شاعر در ابیات ۱۸۴-۱۸۶ دوحه الازهار آن را چنین وصف می‌کند:

به رسم حاشیه بر دور این باغ
خیابانی است زو افلاک را داغ
بر اطرافش درخت بید و عرعر
که ساینده از تفاخر بر فلک سر
میان بید و عرعر تاک سرمست
چو مستی کو به هشیاران دهد دست

پس در حاشیه و دورتادور این باغ هم خیابانی زیبا بوده است که بر اطراف آن درختان بید و عرعر نشانده بودند و در میان آنها، تاک.

پس از اینکه موقعیت این سه خیابان اصلی و نسبتشان با باغ مشخص شد، می‌توان اطلاعاتی دیگر در

زمینه فاصله آنها از هم، ارتباطشان با جویهای آب، و ویژگیهای فضایی عناصر دیگر چون حوض و صفا به دست آورد.

در ابیات ۲۰۵-۲۰۹ *روضه الصفات* آمده است:

فاصله نظم خیابان در او
دیده عقل آمده حیران در او
آمده از خلد بساطی بسیط
بر وی از اطراف خیابان محیط
شکل خیابان ز بین و یسار
حاشیه‌اش گشته به نقش و نگار
جوی ز هر سو شده زنجیره‌اش
دیده ادراک شده خیره‌اش
پهلوی هم عرعر و بید و چنار
سایه‌فکن بر گل نازک‌عذار

عبدی بیگ از نظم دقیق خیابانها می‌سراید؛ نظمی که حتی هم‌زمان با ساخته شدن باغ موجب حیرت بوده است. طرح خیابانها از چپ و راست نقش و نگار حاشیه باغ شده و از هر طرف جوی آبی مانند زنجیره‌ای باغ را احاطه کرده است.

درباره این جویها در ابیات ۲۳۹-۲۴۱ *روضه الصفات* می‌گوید:

آب از این خانه چو آید به در
بهر خیابان دو شود در گذر
با دو زبان مدح کند شاه را
فیض دهد خاطر آگاه را
تا به در باغ خرامان شود
انجمن‌آرای خیابان شود

آبی که از اتاقی بیرون می‌آید در خیابان به دو جوی تقسیم می‌شود. این دو جوی در طول خیابان تا دم درباغ ادامه می‌یابند و خیابان را صفا می‌دهند.

درباره صفا در ابیات ۲۶۳-۲۶۶ *روضه الصفات* چنین سروده است:

صفا شاهانه چو دریادلی
از دل وی حل شده هر مشکلی
خاسته بر دامنش از هر کنار
چون دو سهی قد دو همایون چنار
پهلوی هر یک شده تاکی بلند
بر فلک انداخته گویی کمند

قایم‌تاک سرافراخته
سایه بر اطراف وی انداخته

از ابیات پیشین به دست آمد که صفا در مربع تقاطع خیابانها قرار دارد. از این ابیات هم روشن می‌شود که در دو طرف صفا شاهانه دو چنار بلندبالا واقع است، و در کنار هر یک از آنها تاکی بلند است که بر اطراف صفا سایه می‌افکند.

سخن شاعر درباره ویژگیهای حوض، در ابیات ۳۶۱ و ۳۶۹ و ۳۷۰ و ۳۷۵ *دوچه الازهار* چنین است:

چه گویم وصف این حوض فلک‌رنگ
که با دریای افلاک است یک‌رنگ

صفای آبش از دل درد برده

به لطف از چهره جان‌گرد برده

پراز غاز و بط و قو آب شفاف

چو جوهر در دل آئینه صاف

زند هر لحظه چون بر آب منقار

به گردش دایره خیزد ز پرگار

پس حوض به رنگ آسمان و آب آن شفاف و زلال

و باصفاست و آب پراز غاز و بط و قوست؛ و هنگامی

که قو به آب منقار می‌زند، گویی کنار منقار او دایره‌هایی

با پرگار ایجاد می‌شود.

عمارات باغ

در باغ سعادت‌آباد، کاخها و عماراتی هم ساخته بودند. عبدی بیگ دو عمارت اصلی باغ، یعنی ارشی‌خانه و خانه شروانی را، کاملاً و به تفصیل شرح می‌دهد. بیان کامل این اوصاف خارج از هدف این مقاله است. تنها ابیاتی را که مربوط به جایگاه آنها در باغ است نمونه می‌آوریم.

در مجموعه اشعار او درباره باغ سعادت‌آباد، شاعر

در میان سخن از باغ به وصف کاخها نیز می‌پردازد؛ یعنی

باغ و کاخ توأم بوده و کاخ جزئی از باغ شمرده می‌شده

است.

مهم‌ترین عمارات باغ ارشی‌خانه بوده، که کاخ ویژه

شاه ظهاسب است. بعدها مورخان این بنا را چهل‌ستون

هم نامیده‌اند و اکنون به این نام شهرت دارد.

در ابیات ۲۱۹-۲۲۲ *روضه الصفات*، در بند «صفت

ارشی‌خانه و حوض میان آن که در چهارسوی وسط باغ

واقع است»، چنین آمده است:

آن دهد از عالم بالا نشان
وین به فضا فیض ستاند از آن

بر این اساس، فضای وسیعی در دل این خانه شاهانه است. سقف این بنا پر از نقاشیهای سقفی است که عکسشان در حوض می افتاده است. در دیدگاه عبدی بیگ، سقف نشانی از عالم بالاست و حوض از آن فیض کسب کرده و به فضا می رساند. اطلاعات درباره این دو عمارت در منظومه های عبدی بیگ مفصل است.

باغهای خصوصی مجموعه باغ سعادت آباد
در هنگام تصنیف *روضه الصفات*، در باغ سعادت آباد ۲۳ باغ خصوصی و گلزار و موستان و چهارزار بوده است. هریک از این باغها به یکی از اعیان و خویشاوندان شاه و درباریان تعلق داشته است. در ابیات ۲۸۶ تا ۲۸۹ این کتاب آمده است:

باغ به پرگار شده بخش بخش
هر چمن آرا به دلی فیض بخش
طرح دگر هر طرف انداخته
غیر مکرر چمنی ساخته
هر طرف باغ هنر پیشه ای
سحروری نادره اندیشه ای
گشته عرق بند به طرز دگر
جوی دگر بسته و مرز دگر
باغ به ترتیب شده قسم قسم
وصف کنم قسم به قسمش به اسم

باغ با پرگار و به دقت به بخشهای مختلف تقسیم شده و هر بخش به کسی تعلق دارد. هر قسمتی طرحی جداگانه و غیر تکراری، و هر بخش جوی دیگر و مرزی دیگر دارد. در ادامه، قسمتهای مختلف با اسم شرح داده می شود. بنا بر این، هریک از این باغها در عین استقلال، جزو باغ سعادت آباد و بخشی از آن است.

چهارده باغ از این ۲۳ باغ در جانب شرقی کاخ ارشی خانه بوده است:

۱) باغ امام، که به امام هشتم (ع) منسوب بوده و آن را شاه قلی خلیفه ذوالقدر مهرداد اداره می کرده است؛ (۲) باغ میر علی کسکنی؛ (۳) باغی که تالاری در میان دارد؛ (۴) باغ مراد بیگ؛ (۵) باغ حسین بیگ یوزباشی؛ (۶) باغ عبدالله خان وستاجلو؛ (۷) باغ امیر دیوان بدرخان؛ (۸) باغ

در وسط آن ارشی خانه ای
خانه زینده شاهانه ای
بر زبر صفة خاطر پذیر
همچو بزرگی که بود بر سریر
آب که از حوض نهد رو به در
جانب این خانه نماید گذر
حوض مربع که در این خانه است
مرکز این خانه شاهانه است

پس ارشی خانه در مرکز باغ و در چهار گوش تقاطع خیابانها، بر روی صفة ای قرار دارد. آبی که از حوض به سمت در حرکت می کند، از کنار این خانه می گذرد. در مرکز این خانه هم حوضی به شکل مربع است. شاعر در ادامه وصفی کامل از فضا و تزیینات و نقاشیهای دیواری آن می کند، که برای شرح آنها باید مطلبی دیگر نوشت. درباره ارتباط این بنا با خیابانهای باغ، در ابیات ۲۵۱-۲۵۳ همین کتاب می نویسد:

چون به میان جای خیابان رسید
خضر به سرچشمه حیوان رسید
کرد تماشا ارشی خانه را
داد تسلی دل دیوانه را
روی از آنجا سوی ایوان نهاد
چشم بر آن قبله احسان نهاد

کسی که در میان خیابان قرار می گیرد، ارشی خانه را تماشا می کند و از آنجا به سوی ایوان رو می کند و صفة شاهانه را مشاهده می کند. عمارت دیگری که در منظومه های عبدی بیگ شرح کاملی از آن بیان می شود، خانه شروانی است. این بنا متعلق به بهرام میرزا، برادر شاه طهماسب، بوده و گویا در باغ کوچک تری که جزو مجموعه باغ سعادت آباد بوده قرار داشته است. نام این باغ باغ بهرام میرزا بوده و در سمت غربی باغ سعادت آباد جای داشته است. عبدی بیگ ضمن بیان ویژگیهای فضای این بنا، نقاشیهای آن را هم شرح می دهد. ابیات ۴۴۹ و ۴۵۰ و ۴۵۵ چنین است:

خانه شاهانه گردون فضا
عرش صفت بر سر کرسیش جا
سقف وی از نقش چو صحن خیال
عکس فکن گشته بر آب زلال

قورچی باشی؛ ۹) باغ میرشمس‌الدین علی؛ ۱۰) موستان؛
۱۱) باغ حاجی آقا؛ ۱۲) گلزار غریبلر؛ ۱۳) باغ
فرزادبیگ؛ ۱۴) باغ خواجه قطب‌الدین جامی.

در مغرب ارشی‌خانه هم هشت باغ و یک چمنزار
بدین شرح بوده است:

۱) باغ بهرام‌میرزا؛ ۲) باغ سیدیگ؛ ۳) باغ شاه نعمت‌الله؛
۴) باغ قاضی ضیاء‌الدین؛ ۵) باغ قاجار؛ ۶) چمن
قاسم‌بیگ؛ ۷) باغ سیدمیرزا؛ ۸) باغ قاضی ضیاء‌الدین؛
۹) باغ مهین‌بانو سلطان‌خاتم.

شاعر به هریک از این باغها بندی اختصاص داده
و در آن بند شاخص‌ترین ویژگی آن باغ را بیان کرده
است. از ویژگیهای مهمی که در وصف بیشتر باغها بیان
شده، شکل هندسی چمنزار آن است؛ با عباراتی چون
مثنی‌چمن، چمن هشت‌سو، محمس، مربع‌چمن، مدورچمن.
مثلاً در ابیات ۳۳۳-۳۳۵ روضه‌الصفات، در صفت باغ
مرادیگ آمده است:

جلوه‌گهش پهلوی ایوان شاه
مطرح نور و نظرش سال و ماه
شاه‌نشینش چمنی هشت‌بخش
از همه گلهاش فلک داده بخش
چار طرف چار مربع‌چمن
هر طرفش بید و گل و یاسمن

روشن می‌شود که منظر اصلی باغ مرادیگ کنار ایوان
شاه است. در مرکز آن، چمنی هشت‌ضلعی است، با انواع
گل؛ و در چهار طرف آن، چهار باغچه مربع است و هر
طرف آن بید و گل و یاسمن دارد.

عبدی‌بیگ گاه در وصف بعضی از باغها از موقعیت
جغرافیایی آنها نسبت به باغهای دیگر هم خبر می‌دهد، که
بر این اساس تا حدودی می‌توان از نقشه عمومی باغها
در مجموعه سعادت‌آباد خبردار شد. مثلاً ابیات ۳۲۶-
۳۲۳ از بند ۱۲، با عنوان «صفت باغ که تالار در میان
دارد» چنین است:

آن طرف باغ امام از شمال
قطعه دیگر به هزارن جمال
چهار خیابان متقاطع به هم
برده درختانش به گردون علم
ساخته تالار ملوکانه‌ای
وه که نه تالار ارم‌خانه‌ای

هر طرفش از سه چنار ارجمند
با ده و دو برج سپهر بلند

پس در سمت شمال باغ امام، قطعه زیبایی دیگری است
که چهار خیابان متقاطع با درختان بلند دارد. در آن
تالاری شاهانه ساخته‌اند که در هر طرفش سه چنار و در
اطرافش دوازده برج بلند واقع است.

درختان و گل‌های باغ

بر اساس منظومه‌های عبدی‌بیگ، در باغ سعادت‌آباد
درختان میوه‌ای و تزئینی بسیار - از جمله، شفتالو،
گیلاس، زردآلو، سیب، گللابی، فندق، گوجه، انار، انجیر،
بادام، فندق، پسته، توت، شمشاد، چنار، ارغوان، سرو، تاک
(با انواع انگورهای فخری، تبرزد، صاحبی، عسکری،
ملاحی، احمدی) - و گل‌های گوناگونی بوده است؛ مانند
بنفشه، یاسمن، سوسن، لاله، نرگس، گل سرخ، نیلوفر،
ختمی، ریحان، زنبق.

گاه از محل کاشته شدن گلها هم خبر داده است؛
مثلاً در ابیات ۳۱۷-۳۲۰ روضه‌الصفات:

طرح میانش دو مثنی‌چمن
چون دو بهشت از گل و از یاسمن
دور وی امرود بر آورده سر
از چمن چرخ بیرون کرده سر
زنبق و سوسن به هم‌ایون‌درفش
بسته دوصد شقه سفید و بنفش
هدم ریحان شده بستان‌فروز
این خردآرا شده آن جان‌فروز

روشن می‌شود که دو باغچه هشت‌ضلعی در وسط باغ
قرار دارد که پوشیده از چمن و گل و یاسمن است. دور
این باغچه‌ها را درختان گللابی نشانده‌اند. انبوهی از زنبق
و سوسن و ریحان در این باغچه هست.

نتیجه

باغ سعادت‌آباد قزوین در دوره شاه طهماسب صفوی، بعد
از پایتخت شدن قزوین ساخته شد. این باغ شاهی عماراتی
هم داشت. منظومه‌های عبدی‌بیگ نویدی شیرازی، شاعر
آن دوره که در دیوان‌خانه هم‌ایونی حضور داشته، حاوی
اطلاعات باارزشی درباره کلیات و جزئیات این باغ و
عمارات آن است. اطلاعات موجود در این منظومه‌ها

بیش از چیزی است که در اینجا ذکر شد؛ و در این مقاله، تنها نمونه‌هایی آورده شد که اطلاعات صریح‌تری درباره معماری باغ به دست می‌دهد.

بر اساس این اطلاعات، می‌توان تصویری کلی از نقشه عمومی باغ و ویژگی‌های فضایی آن به دست آورد و آن را از منظر انسان شاعر آن روزگار تماشا کرد. این منبع می‌تواند علاوه بر روشن کردن جنبه‌های مختلف معماری و باغ‌سازی باغ سعادت‌آباد، ما را با ذهنیت ایرانیان آن زمان و سلايق آنان در خصوص باغ و کوشک‌های آن نیز آشنا کند. □

کتاب‌نامه

عبدی بیگ شیرزای، خواجه زین‌العابدین علی نویدی. *روضه الصفات*، ترتیب متن و مقدمه ابولفضل هاشم‌اوغلی رحیموف، مسکو، اداره انتشارات دانش، ۱۹۷۴.

_____ . *دوحة الازهار، متنوی دوم از جنات عدن (دریاره صور دیواری و معماری قصور دارالسلطنه قزوین در سده دهم هجری)*، ترتیب متن و مقدمه ابولفضل هاشم‌اوغلی رحیموف و علی مینایی تبریزی، مسکو، اداره انتشارات دانش، ۱۹۷۴.

پی‌نوشت:

۱. ابولفضل هاشم‌اوغلی رحیموف در «مقدمه» *روضه الصفات*.

۲. همان، ص ۴-۹.

۳. همان، ص ۷.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی